سند روایت اهل بطن نخله

- «عبيد الله بن أحمد الدهقان» وجه تضعيف روايت نزد سيدبحر العلوم؛ وصف «دهقان»
- بيان مرحوم مجلسى و ترجيح احتمال توثيق «عبيد الله بن أحمد الدهقان»؛ « عبيد الله أحمد بن نهيك»
- اشاره به وصف «الدهقان» براى «عبيد الله أحمد بن نهيك» در روايت امالى
- «عبيد الله أحمد بن نهيك» شيخ «حميد بن زياد»

«عبيد الله بن أحمد الدهقان» وجه تضعیف روایت نزد سیدبحر العلوم؛ وصف «دهقان»

جلسه قبل آقا «دحمان» را فرمودند [که احتمال دارد «دهقان» باشد]. من مطلبی را عرض کردم که در ذهنم راجح شد. سید در تنبیه ثالث فرمودند: «روی الكليني (طاب ثراه) في كتاب الروضة، بسند ضعيف، عن عمر بن يزيد...»[1]، منظور ایشان از ضعف چه کسی است؟ طاطری است؟ در جلسه قبل صحبت شد. عرض کردم به کمک تضعیف مرحوم آقای خوئی در مستند العروه معلوم شد که ایشان به شیخ «حمید بن زیاد الدهقان» تضعیف کرده‌اند؛ عبید الله بن احمد الدهقان مجهول است. مرحوم آقای خوئی این جور فرمودند. لذا در ذهنمان تقویت شد که زیر کلمه «الدهقان» خط بکشیم. مرحوم سید هم از همینجا «ضعیف» را فرمودند. یعنی حمید بن زیاد عن عبید الله بن احمد الدهقان که ایشان مجهول است. پس به‌خاطر مجهولیت ایشان سند ضعیف می‌شود.

فرمودند: بردار عبید الله، یعنی عبد الرحمن بن احمد بن نهیک که در وصفش دارد که ملقب به «دحمان» است. احتمال دارد که «الدهقان» بوده باشد. لقب های دو بردار قبلی‌های بوده است. لذا می‌توانیم بگوییم وصف «الدهقان» برای برادرش هم آمده است. پس برای او هم می‌توانند ثابت باشد. این فرمایش ایشان بود.

مرحوم علامه در خلاصه همین عبارت را می‌آورند. ظاهرش هم ناظر به عبارت نجاشی است. ولی ضبط می‌کنند و می‌گویند: «عبدالرحمن بن نهیک الملقب بالدُحان». تصریح می کنند در خلاصه، یعنی میم ندارد. می‌گویند «الدال المضمومه و...». خب علامه مستندی داشته‌اند که میم «دحمان» را نیاورده اند. در نسخه ایشان نبوده است. تصریح می‌کنند که «دُحان» است. لذا این‌که «دحمان» تصحیف «دهقان» باشد –مخصوصاً این‌که دهقان «ال» می‌گیرد- این احتمال ضعیف می‌شود.

---

[1] رؤيت هلال، ج۳، ص: ۱۹۸۶

بیان مرحوم مجلسی و ترجیح احتمال توثیق «عبيد الله بن أحمد الدهقان»؛ « عبيد الله أحمد بن نهيك»

ولی شاهد دیگری در مرآة العقول علامه مجلسی پیدا کردم. اینها نکات و شواهدی است که خوب است در فرمایشات علماء دقت شود. احتمال دادم خود همین فرمایش علامه مجلسی در مرآة زمینه‌ساز این بوده که سید بحرالعلوم بفرمایند: «بسند ضعیف». در مرآة العقول، جلد بیست و ششم، صفحه چهارصد و هشتاد و یک است. عرض شد روایت عمر بن یزید، نُه روایت پشت سر هم است. نه‌مین روایت، روایت ما بود. این نُه روایت به روایت پانصد و نُه تعلیق شده بود. روایت این بود:

> **حميد بن زياد ، عن أبي العباس عبيد الله بن أحمد الدهقان ، عن علي بن الحسن الطاطري ، عن محمد بن زياد بياع السابري ، عن أبان ، عن صباح بن سيابة ، عن المعلى بن خنيس قال ذهبت بكتاب عبد السلام بن نعيم وسدير وكتب غير واحد إلى أبي عبد الله عليه‌السلام حين ظهرت الموسودة قبل أن يظهر ولد العباس بأنا قد قدرنا أن يئول هذا الأمر إليك فما ترى قال فضرب بالكتب الأرض ثم قال أف أف ما أنا لهؤلاء بإمام أما يعلمون أنه إنما يقتل السفياني.**
>
> **[1]**

مرحوم مجلسی که بعداً اینها را می‌گویند موثق است، با اتکاء به همین مطلبی است که اول گفته اند. این قرینه است بر اینکه مرحوم سید ای این را دیده‌اند ولی برایشان صاف نشده، ای اصلاً این را ملاحظه نکرده‌اند و خودشان روی اطلاعات رجالی خودشان به این رسیده‌اند. علامه می‌فرمایند:

>

> **الحديث التاسع والخمسمائة: مجهول. والظاهر أن عبيد الله هو عبيد الله أحمد بن نهيك الذي وثقه النجاشي وهو المكنى بأبي العباس ، وذكر الشيخ أنه روى عنه كتبه حميد ، لكنه غير مشهور بالدهقان والمشتهر به هو عبيد الله بن عبد الله**[2]

«الحديث التاسع و الخمسمائة، مجهول»؛ البته احتمال دارد که مجهول بودنش به‌خاطر «صباح بن سیابة» باشد. اگر به این خاطر باشد، خوب است. در ادامه می‌فرمایند:

«والظاهر أن عبيد الله»؛ یعنی همین عبید الله بن احمد که آقای خوئی در آن اشکال داشتند و احتمال قوی هم سید به همین خاطر تضعیف کرده‌اند، باشد. **«هو عبيد الله بن أحمد بن نهيك»؛** که معروف است و توثیق هم شده است. اگر همینطور باقی بگذاریم مجهول می‌شود، چون در کتب رجالی «الدهقان» نداریم. اما اگر «ابن نهیک» باشد، توثیق داریم. **«الذي وثقه النجاشي وهو المكنى بأبي العباس»**؛ در سند هم این کنیه هست.

«وذكر الشيخ أنه روى عنه كتبه حميد»؛ حمید کتب ابن نهیک را مفصل آورده است، **«لكنه غير مشهور بالدهقان»**؛ این ابن نهیک به دهقان مشهور نیست. خود حمید به دهقان مشهور است اما شیخ ایشان عبید الله احمد بن نهیک مشهور به دهقان نیست. این شاهد احتمال جلسه قبل است. عرض کردم آن چه که در ذهن سید بحر العلوم پررنگ شده تا بگویند ضعیف است، همین «غیر مشهور بالدهقان» است. **«والمشتهر به هو عبيد الله بن عبد الله»**؛ در نجاشی هم پشت سر هم آمده‌اند. یعنی اول می‌گوید: «عبید الله بن عبدالله ضعیف»، لذا اگر دهقان او باشد، ضعیف می‌شود. یعنی احتمال داده می‌شود که در سند کافی «عبید الله بن احمد الدهقان» تصحیف بوده باشد. بلکه «عبید الله بن عبدالله الدهقان» که معروف هم هست و نجاشی هم قبل از ایشان گفته[3] است، اگر او باشد که نجاشی او را تضعیف کرده است. ولی خودشان می‌فرمایند: مشتهر قبلی او است ولی ظاهر این است که «ابن نهیک» است. ظاهرش هم خوب است. یعنی «عبید الله بن احمد بن نهیک» کتابهای بسیاری داشته که حمید بن زیاد نقل کرده است. حمید بن زیاد می‌گوید بر این شیخ این کتب را قرائت کرده‌ام. ایشان می‌گویند معلوم نیست «قرأتُ علیه هذه الکتب» یعنی این کتابها مصنف خودش بوده که بر مصنفش قرائت کرده باشد ای خود عبید الله بن احمد مصنف نبوده و این کتابها را نزد او خوانده‌ام. بنابراین با این توضیحی که علامه مجلسی در اینجا داده‌اند، کلمه «دهقان» پررنگ می‌شود.

---

[1] مرآة العقول نویسنده : العلامة المجلسي جلد : ۲۶ صفحه : ۴۸۲

[2] همان

[3] رجال النجاشي نویسنده : النجاشي، أبو العبّاس جلد : 1 صفحه : 232؛ [٦١٤] عبيدالله بن عبد الله الدهقان الواسطي ضعيف ، له كتاب يرويه عنه محمد بن عيسى بن عبيد... . [٦١٥] عبيدالله بن أحمد بن نهيك أبو العباس النخعي ، الشيخ الصدوق، ثقة ، واله نهيك بالكوفة بيت من أصحابنا ، منهم عبد الله بن محمد وعبد الرحمن السمريان وغيرهما. له كتاب النوادر. أخبرنا القاضي أبو الحسين محمد بن عثمان بن الحسن قال : اشتملت إجازة أبي القاسم جعفر بن محمد بن إبراهيم الموسوي ـ وأراناها ـ على سائر ما رواه عبيدالله بن أحمد بن نهيك وقال : كان بالكوفة وخرج إلى مكة ، وقال حميد بن زياد في فهرسته : سمعت من عبيدالله كتاب المناسك ،

وكتاب الحج ، وكتاب فضائل الحج ، وكتاب الثالث والرابع ، وكتاب المثالب ، والا أدري قرأها حميد عليه وهي مصنفاته أو هي لغيره.

اشاره به وصف «الدهقان» برای «عبيد الله أحمد بن نهيك» در روایت امالی

همینطور پی جویی کردم و در ذهنم آمد که ما تنها یک سند در امالی طوسی داریم که بین اینها جمع شده است. یعنی تصریح به ابن نهیک است. «عن حمید عن عبیدالله بن احمد بن نهیک الدهقان». پس در کتب رجالی «الدهقان» نیامده ولی در یک سند امالی طوسی به جمع بین این دو تصریح شده است. خود این قرینه خیلی خوبی است بر «الظاهر»ای که علامه مجلسی فرمودهاند.

شاگرد: روایت امالی طوسی چیست؟

استاد: همین است: «حدثنا حميد بن زياد الدهقان إجازة بخطه في سنة تسع و ثلاثمائة، قال: حدثنا عبيد الله بن أحمد بن نهيك أبو العباس الدهقان»[1].

شاگرد: از عبید الله بن عبدالله روایت زیاد دارد؟ اگر حمید بن زیاد کتاب او را زیاد نقل کرده باشد....

استاد: کتاب ابن نهیک موثق را نقل کرده است، نه کتاب او را.

---

[1] الأمالي (للطوسي)، النص، ص:۳۱۷

«عبيد الله أحمد بن نهيك» شیخ «حمید بن زیاد»

شاگرد: تأیید همین مطلب است. همچنین اگر از او روایت نداشته باشد ای خیلی کم داشته باشد.

استاد: احسنت. من توجه کردهام. در طریقی که نجاشی به کتب عبید الله بن نهیک غیرمشهور به دهقان نقل میکند، همین حمید هست. اما در طریقی که برای کتابهای عبیدالله بن عبدالله دهقان نقل میکند اصلاً حمید نیست. این هم نکته مهمی است که در سند ما آن ضعیف نیست. چون حمید دارد نقل میکند. در طریقی که نجاشی برای عبید الله بن عبدالله دهقان نقل میکند، اصلاً حمید نیست. بنابراین شیخ ـ حمید، همین ابوالعباس عبید الله بن احمد الدهقان هستند. این سند در اعلی هم همه اوصاف را دارد. همه مشکلات بحث ما را حل میکند.

بنابراین «الظاهر» علامه مجلسی سر رسید. «والظاهر أن عبيد الله وه عبيد الله أحمد بن نهيك الذي وثقه النجاشي وهو المكنى بأبي العباس لكنه غير مشهور بالدهقان». در کتب وصف دهقان نیامده ولی مشکلی ندارد؛ لذا الظاهر ایشان سر میرسد.

مرحوم کلینی با همین سند نُه روایت آوردهاند. «حميد بن زياد ، عن أبي العباس عبيد الله بن أحمد الدهقان ، عن علي بن الحسن الطاطري ، عن محمد بن زياد بياع السابري ، عن أبان ، عن صباح بن سيابة ، عن المعلى بن خنيس»؛ این اولین حدیث است. تا نُه روایت را همینطور به ابان تعلیق میکنند.